



مرکز مجاز امام صادق (علیه السلام)

اصول الفقه (عام و خاص)

حکم عام تخصیص خورده

جلسه ۱۱۲

استاد نجار زاده

حکم عام تخصیص خورده:

گفتیم مخصّص (دو قسمش) قرینه است بر اینکه از لفظ عموم غیر خاصّ اراده شده؛ در نتیجه مقصود از عام پاره‌ای از افراد بوده که ظاهر عموم شامل‌شان می‌گردد.

صحبت در این است که آیا این استعمال (استعمال عام در غیر خاصّ و باصطلاح استعمال عام مخصّص در باقی افراد) به نحو مجازی صورت گرفته یا حقیقی؟

نظریات در مورد عام مخصّص:

۱. این استعمال مطلقاً مجازی است.

۲. استعمال مزبور حقیقی می‌باشد.

۳. فرق است بین عامی که به مخصّص متصل تخصیص داده شده و عامی که مخصّصش منفصل باشد: اگر تخصیص به اولی صورت گرفته باشد؛ استعمال عام در باقی افراد حقیقت بوده و در غیر اینصورت مجاز می‌باشد.

۴. نظریه چهارم عکس نظریه سوم است.

نظر مصنف:

حقّ، قول دوم می‌باشد؛ یعنی استعمال عام مخصّص در باقی افراد به طور مطلق حقیقت است.

منشاء توهم مجاز:

منشاء توهم مجاز و قائل شدن به آن این است که ادوات عموم چون وضع‌شان برای دلالت نمودن بر توسعه مدخول و تعمیم آن نسبت به جمیع افراد است؛ لاجرم اگر از آنها بعضی افراد اراده گردد؛ پس در غیر موضوع‌له استعمال شده و در نتیجه، این استعمال مجازی می‌باشد.



دفع توهم:

ولی این توهم با اندک تأمل دفع می‌گردد؛ زیرا در عامی که به مخصّص متصل تخصیص خورده، مانند: اکرم کلّ عالم الا الفاسقین؛ ادات عموم یعنی کلمه «کلّ» صرفاً در معنای خودش یعنی شمول و عموم نسبت به جمیع افراد مدخول استعمال گردیده؛ منتهی گاهی یک لفظ به مدخول دلالت دارد مانند: اکرم کلّ عادل؛ که لفظ «کلّ» در این مثال، دلالت دارد بر اینکه از «عادل»، تمام مصادیق اراده شده و زمانی بیش از یک لفظ دلالت بر آن دارد و این در وقتی است که مخصّص در کلام بیاید؛ چه آنکه مخصّص معنایش این است که مدخول «کلّ» در مثال «اکرم کلّ عالم الا الفاسقین»، مثلاً تمام مصادیق لفظ «عالم» نبوده بلکه خصوص عالم عادل می‌باشد.

و اما لفظ «کلّ» بر همان دلالتی که بر عموم و شمول داشته در اینجا نیز باقی است؛ زیرا در اینجا نیز دلالت بر شمول و عموم داشته؛ منتهی بر شمول تمام مصادیق عالم عادل، پس مدخولش در این مثال محدودتر و افرادش کمتر از افراد مثال اول یعنی «اکرم کلّ عالم» می‌باشد؛ نه اینکه در ناحیه «کلّ» معنا تغییر یافته باشد؛ لذا نمی‌توان کلمه «کلّ» را برداشت و بجای آن لفظ «بعض» را قرار داد؛ چه آنکه صحیح نیست در مثال مزبور بگوئیم: اکرم بعض العلماء الا الفاسقین.

و دلیل ما بر عدم صحّت این عبارت آن است که اگر کلمه «بعض» را بجای «کلّ» قرار دهیم؛ استثناء «الا الفاسقین» از «بعض العلماء» صحیح نیست؛ زیرا مستثنی منه باید عموم و شمول داشته باشد و در این مثال چنین نیست؛ چنانچه اگر بگوئیم: اکرم بعض العلماء العدول؛ در این صورت معنی مستقیم نبوده و نمی‌توان از این عبارت بجای «اکرم کلّ عالم الا الفاسقین» استفاده نمود؛ زیرا مقصود از «اکرم کلّ عالم الا الفاسقین»، تمام علماء عدول بوده نه بعضی از آنها و عبارت دیگر، موضوع محدود نیست در حالی که عبارت «اکرم بعض العلماء العدول» مفید